

واکاوی تحلیلی مؤلفه‌های مؤثر بر افزایش نقش سیاسی - اجتماعی

روحانیان اصفهان در دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۲۶۴ ق / ۱۷۹۴-۱۸۹۶ م)

احمد امینی / دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه اصفهان / ahmad.amini1391@gmail.com

اصغر فروغی ابری / استادیار دانشگاه اصفهان / foroughi.history@gmail.com

فریدون اله یاری / استاد دانشگاه اصفهان / f.allahyari@lti.ui.ac.ir

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۱۱/۰۲ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۴۰۰/۰۴/۰۲

(DOI): 10.22034/shistu.2021.523538.1984

چکیده

هدف این مقاله واکاوی مؤلفه‌های مؤثر بر افزایش نقش سیاسی - اجتماعی روحانیان اصفهان در دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۲۶۴ ق / ۱۷۹۴-۱۸۹۶ م) است. یکی از گروه‌ها و طبقات اجتماعی، که از گذشته‌های دور تاکنون در میان فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی جامعه ایران نقش مهمی داشته روحانیان هستند. در دوره قاجار این گروه اجتماعی در برخی از شهرها، همچون اصفهان در مواجهه با مسائل زمانه در کانون توجه دیگر اقشار جامعه قرار گرفتند. تحولات داخلی و روابط بین‌المللی ایران با کشورهای اروپایی فضای تأثیرگذاری برای این گروه فراهم آورد تا نقش فعال‌تری نسبت به گذشته ایفا کنند. این تحقیق به روش «توصیفی - تحلیلی» و بر مبنای بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی در پی پاسخ به این سؤالات است: ۱. مؤلفه‌های مؤثر در افزایش نقش سیاسی - اجتماعی روحانیان اصفهان دوره قاجار کدام هستند؟ ۲. روحانیان اصفهان چگونه با استفاده از این مؤلفه‌ها، توانستند جایگاه اجتماعی خود را مستحکم سازند؟ نتایج به دست آمده حاکی از آن است که با توجه به برخی از مؤلفه‌های مهم، همچون مشروعیت‌بخشی به حاکمیت، فتوای دینی و سیاسی، مقابله با انحرافات دینی - فکری، برتری اندیشه اصولی بر اخباری و تبعات آن در جامعه، حمایت از گروه‌های مردمی در مقابله با حاکمان مستبد محلی، استبداد داخلی و استعمار خارجی و نیز فضای دینی و جایگاه روحانیان، که تنها مرجع حل مسائل مردم بودند و نقش هدایتی برای توده مردم در مقابله با استعمار داخلی و استثمار خارجی داشتند، روحانیان این شهر موفق به استحکام‌بخشی به پایگاه اجتماعی خود در این برهه از زمان و برای رویدادهای آینده شدند.

کلیدواژه‌ها: روحانیان، مؤلفه‌ها، نقش سیاسی - اجتماعی، اصفهان، قاجار.

مقدمه

بعد از سقوط حاکمیت صفویه به دست افغان‌ها در اصفهان، در ابتدای قرن ۱۱ ق/ ۱۷ م سرزمین ایران دستخوش تغییرات سیاسی و اجتماعی و دینی خاصی گردید. اصفهان مرکزیت خود را از دست داد. قلمرو ایران با اینکه در ابتدا توسط نادر و به نام حکومت افشارها اداره می‌شد، اما بیشتر بر منطقه مشهد متمرکز شده بود. در دوره کریم‌خان زند همین جریان سیاسی با برخورد نظامی آرام‌تری در شیراز برقرار بود. روحانیان در جریان سقوط اصفهان از این شهر مهاجرت کردند. بیشتر ایشان جلای وطن کردند و راهی عراق شدند. عده‌ای دیگر در انزوا و جو آشفته سیاسی روزها را سپری می‌کردند. آغاز حکومت قاجار در ابتدای قرن ۱۳ هـ/ ۱۸ م برای قشر روحانی فرصت مناسبی برای تجدید حیات سیاسی و اجتماعی بود. در این زمان اصفهان از مراکز علمی مهم شیعه و مجمع علما، مجتهدان و طلاب بود؛ علمایی همچون شیخ جعفر نجفی (۱۲۲۷م)، سیدمحمد مجاهد (۱۲۴۲م)، ملاعلی نوری (۱۲۴۶م)، محمدباقر شفتی (۱۲۶۰م)، حاجی کلباسی (۱۲۶۱م)؛ چنان‌که گفته شده است: «در اصفهان بسیارند و به شمار در نمی‌آیند. هیچ ولایت در روی زمین مانند این بلد فقیه و عالم ندارد ...» (تحویلدار، ۱۳۴۲، ص ۶۶)

آقامحمدخان قاجار، مؤسس سلسله قاجار، هنگام گذاشتن تاج کیانی قاجارها بر سر خود در تهران مشروعیت‌های سیاسی و جایگاه صوفیانه و نسب صفویه لازم را نداشت و این مسئله او را به فکر یافتن راهی برای اثبات حقانیت سیاسی خود انداخت. روحانیان با داشتن صبغه دینی و معنوی می‌توانستند تا حدی این مسئله مشروعیت و مقبولیت عام را برای قاجارها حل کنند. آنان با برقرارشدن آرامش نسبی سیاسی در این دوره، به تدریج توانستند در پایگاه‌های دینی خود همچون حوزه‌های علمیه فعالیت‌های مختلف خود را از سرگیرند. حاکمان قاجاری سعی می‌کردند در هر دوره زمانی، که به سر می‌بردند، با ترفندهایی از مهر تأیید روحانیان - ولو به تعداد اندک آنان - در همه زمینه‌ها استفاده ببرند. در دوره فتحعلی شاه این موضوع به خوبی مشهود بود. جدال بر سر برتری یافتن

اعتقاد اصولیان بر اخباریان مسئله با اهمیتی بود که در این دوره به نتیجه رسید. برتری اصولیان برای روحانیان شیعه طرفدار اجتهاد گامی مهم تلقی می‌گردید. احکام صادر شده از سوی روحانیان مطرح و سرشناس در اصفهان، به ویژه در موضوع جهاد با کفار در مرزهای مشترک با روسیه، حضور روحانیان را پررنگ‌تر می‌ساخت.

خلع وجود نهادهای قضایی معتمد، ضعف رسیدگی به مشکلات شرعی و عرفی به صورت سازمان‌یافته در کشور و فشارهای اقتصادی و سیاسی بر روی قشرهای گوناگون جامعه، راه رسیدن مردم به حقوقشان را مسدود ساخته بود. اما روحانیان شهرهای گوناگون، به ویژه اصفهان، با تکیه بر آگاهی‌های دینی و علمی گسترده‌ای که داشتند، با کمک منبرها و مساجد به حمایت از اقشار مختلف مردم می‌پرداختند. (فوران، ۱۳۷۷، ص ۲۵۵) نگاه تیزبین روحانیان اصفهان به تحولات داخلی و خارجی و واکنش‌های قاطع آنان جایگاه اجتماعی و سیاسی آنان را در جامعه و نزد حکومت مطرح می‌ساخت.

تاکنون پژوهشی مستقل و جامع در خصوص فعالیت‌ها و اهداف روحانیان اصفهان، که موجب تقویت جایگاه‌شان در دوره قاجار باشد، صورت نگرفته و بیشتر تحقیقات به یک بُعد از زمینه‌های مهم بازآفرینی و واکاوی جایگاه روحانیان اشاره داشته است.

دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجار کتابی است که در آن نویسنده شرایط دوره فتحعلی شاه قاجار و نقشی را که علما در مشروعیت‌بخشی به حاکمیت داشته‌اند، مطرح می‌کند، بدون آنکه به شهر و حوزه فعالیت خاصی از روحانیان اشاره داشته باشد.

فیرحی در کتاب قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، فعالیت‌های فقهی شیعه موافق با تفکر اصولی در اواخر قرن ۱۲هـ / ۱۷م و ابتدای قرن ۱۳هـ / ۱۸م را ذکر کرده است. در بخش‌های گوناگون این کتاب تنها به خطوط کلی مبانی سیاسی روحانیان شاخص این دوره اشاره شده است.

اهمیت و ارزش این پژوهش را می‌توان در بازشناسی مباحث سیاسی و اجتماعی تاریخ ایران دوره قاجار دانست. ضعف نهاد سیاسی حکومت قاجار در تأسیس و عملکرد باطنی

سازمان‌ها و پایگاه‌های نظم‌دهنده و برقراری امنیت را در بخش‌هایی از جامعه عصر قاجار می‌توان یافت. از سوی دیگر، نگاه دقیق روحانیان با تکیه بر پایگاه دینی و علمی آنان در شهرها موجب شد در برهه‌ای از زمان فعالیت گسترده‌تری داشته باشند و به تدریج، نقش هدایتگری و رهبری در بخش‌های گوناگون جامعه را برعهده بگیرند.

حوزه؛ پایگاه علمی - دینی روحانیان

با آغاز حاکمیت قاجارها در ابتدای قرن ۱۳ هـ / ۱۸ م در بخش‌های گوناگون جامعه ایران و از جمله در میان طبقه روحانیان تحولاتی به وجود آمد. پیش از این زمان، در دوره افشاریه و زندیه وظیفه روحانیان تنها ادای وظایف شرعی و برخی وظایف محدود در جامعه بود که گاهی نیز از سوی دولت‌ها در فعالیت‌هایشان با محدودیت‌هایی روبه‌رو می‌شدند. با شروع فعالیت حوزه علمیه، حضور روحانیان مطرح و شاخص از سراسر ایران و عراق به عنوان استاد و استقرار آنان در حوزه‌های علمیه شهرهایی همچون اصفهان، سرمنشأ سیر رو به رشد فعالیت‌های گسترده روحانیان شد. در دوره صفویه نیز این طبقه اجتماعی در حوزه‌های علمیه فعالیت می‌کردند. اما در دوره محل بحث به علت فضای سیاسی، که بی‌تأثیر از رویدادهای داخلی و خارجی نبود، تجمع روحانیان برجسته، بر اهمیت این مراکز افزود.

دایر شدن یک پایگاه علمی - دینی برای قشر روحانی به لحاظ بررسی فعالیت‌های آنان چگونه تحلیل می‌گردد؟ اولین و مهم‌ترین تأثیر دایر شدن حوزه‌های علمیه، گرد هم آمدن علما و افزایش آگاهی روحانیان در علوم گوناگون و شرح، تبیین و توسعه معارف دینی بود. (رضایی، ۱۳۹۱، ص ۲۵) ما حاصل چنین شرایطی پرورش طلاب فرهیخته و دارای قوت کلام، و نگارش و تدوین کتب متعدد دینی بود. تدوین «دائرةالمعارف فقه جعفری» به دست شیخ محمد حسن شریعت اصفهانی، معروف به «نجفی» در شهر اصفهان (ریاحی، ۱۳۸۶، ص ۹۳) نمونه‌ای آشکار در این زمینه است. علم، آگاهی و بینش علما در حوزه علمیه

اصفهان موجب جذب طالبان علوم از نقاط دیگر به این حوزه گردید. حاجی کلباسی، سید حجه الاسلام و آقا سیدمحمد مجاهد و حاج ملاعلی نوری و ده‌ها عالم و مجتهد دیگر، که هر کدام کرسی بحث و تدریس در علوم فقه و اصول و حکمت را بعدها در اصفهان به دست آوردند، به لحاظ مادی و معنوی از حضور بزرگان حوزه علمیه این شهر مستفیض و مستفید می‌شدند. (مهدوی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۳۷)

اهمیت حوزه علمیه اصفهان بر اساس آثار و احوال به جای مانده از آن، بیانگر حضور علما و محققانی است که در این حوزه زمانی را سپری کرده‌اند و از محضر استادان مبرز آن کسب فیض نموده‌اند. جریانات و حوادث سال‌های بعد و نوع برخورد روحانیان اصفهان، همچون حجت‌الاسلام شفتی و آقاجفی با آن رویدادها، به ویژه قاطعیت آنان در صدور و اجرای احکام شرعی و سعی آنان در برخورد با هرگونه مفاسد سیاسی و اجتماعی، (صوفی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۰) بر اهمیت حوزه علمیه اصفهان افزود.

بنابراین، اثرات فعالیت حوزه علمیه اصفهان را می‌توان در چند محور خلاصه کرد:

۱. تداوم میراث علمی، دینی و فرهنگی اصفهان؛
۲. وجود شخصیت‌های دینی سرشناس و پرورش طلاب در این دوره در حوزه علمیه اصفهان؛
۳. موضع‌گیری روحانیت در قبال رویدادهای سیاسی و اجتماعی دوره قاجار، همچون قرارداد رژی؛ (دولت آبادی ج ۱، ۱۳۷۱، ص ۱۰۶ / براون، ۱۳۲۹، ص ۴۹)
۴. استقلال مالی روحانیت از دولت و ارتباط دوسویه آنها با مردم؛
۵. تقویت جایگاه روحانیت در بین مردم و دولت؛
۶. موضع‌گیری روحانیت در مواجهه با استعمار غرب.

برتری اندیشه اصولی بر اخباری و تبعات آن

یکی از مهم‌ترین رویدادهایی که در دوره قاجاریه در ایران به ثمر نشست و تأثیرات عمیقی بر بخش‌های دینی، سیاسی و اجتماعی جامعه برجای گذاشت، مطرح شدن برتری اندیشه

اصولی بر اخباری و مجادله بین این دو اندیشه بود. تأثیر برتری اندیشه اصولی بر اخباری در بازآفرینی جایگاه روحانیان چگونه تحلیل می‌گردد؟ اصفهان در این زمان مرکزیت فقهی - اصولی یافته بود و روحانیان منازعات فکری و دینی بیشتری با دیگر اندیشه‌های نوظهور داشتند. (مهدوی، ۱۳۹۰، ص ۳۸) وحید بهبهانی (۱۲۰۵هـ)، زاده اصفهان، پرچمدار این اندیشه برتری بود. او تلاش‌های فراوانی در عرصه علم و عمل و مبارزه با اخباریان داشت و به سبب مهاجرت به بهبهان به «بهبهانی» معروف شد. (آل سیدغفور، ۱۳۸۴، ص ۶۶) ایشان از مجتهدان درجه اول در مسیر اجتهاد بود و با آوردن دلایل مستند و برحق در برابر اخباریان، (دوانی، ۱۳۸۰، ج ۹، ص ۱۶۹) به شناخت و ضرورت تقلید و اجتهاد در جامعه همت گماشت و ادامه یافتن راه وی جامعه شیعه را از رهبری دینی، سیاسی و ملی بهره‌مند گردانید. (پیتراوری و دیگران، ۱۳۹۱، ج ۷، ص ۴۸۱)

حضور روحانیان شاخص در حوزه علمیه در جریان سال‌های بعد بر شمار روحانیان صلاحیتدار افزود. در ابتدای حکومت قاجاریه تعداد این روحانیان ۱۲ تن بود، اما در زمان ناصرالدین شاه تعداد روحانیان صلاحیتدار به ۱۷۵ تن رسید که از یک مرجع بزرگ و طراز اول تقلید می‌کردند. (هالم، ۱۳۸۴، ص ۱۹۰) از شاگردان مهم ایشان، می‌توان به میرمحمدحسین عبدالباقی (۱۲۳۳م) اشاره کرد. ایشان یازدهمین امام جمعه اصفهان و به لحاظ دودمانی، پنجمین امام جمعه این شهر محسوب می‌گردد. وی مدت‌ها شاگرد علامه بهبهانی بود و مدتی ریاست روحانیان اصفهان را برعهده داشت. (کتابی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۹۳)

حضور مهم‌ترین شخصیت‌های اصولی همچون وحید بهبهانی (۱۲۰۵هـ)، سید محمد مهدی طباطبائی بحرالعلوم (۱۲۱۲هـ)، شیخ جعفر کاشف الغطاء (۱۲۲۷هـ)، سید علی طباطبائی صاحب ریاض (۱۲۳۱هـ)، میرزا ابوالقاسم قمی (۱۲۳۱هـ)، سیدمحمد طباطبائی معروف به «مجاهد» (۱۲۴۲هـ)، شریف العلماء (۱۲۴۵هـ)، شیخ محمد تقی (۱۲۴۸هـ)، میرعبدالفتاح مراغی (۱۲۵۰هـ)، شیخ محمد حسین اصفهانی (۱۲۶۰ یا ۱۲۵۴هـ)،

سیدابراهیم موسوی قزوینی (۱۲۶۴ هـ) و شیخ محمد حسن اصفهانی (۱۲۶۶ هـ) (گرجی، ۱۳۷۵، ص ۲۵۲-۲۵۵)، که همگی برخاسته از مراکز دینی (علمیه اصفهان) بودند، موجب مطرح شدن بیش از پیش نقش روحانیان در جامعه گردید.

از مهم‌ترین پیامدهای پیروزی اصولیان بر اخباریان می‌توان به نکات ذیل اشاره کرد:

۱. تکوین نظریه «تقلید از علم»؛

۲. فتوای پرداخت خمس به مجتهد علم (و سپس مرجع تقلید)؛

۳. تجمیع اقتدار علمی و دینی (زعامت) در میان علمایی همچون کاشف الغطاء، صاحب

جواهر و شیخ انصاری (۱۲۸۱ م). (صبوریان، ۱۳۹۸، ص ۱۷۵)

در زمینه تقلید از علم لازم است اشاره کنیم که در دستگاه شیعه اثنا عشری تا اواسط قرن ۱۹م در ایران این اندیشه سابقه نداشت، تا اینکه یکی از نوابغ فقهی شیعه، شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴-۱۲۸۱)، متأثر از اندیشه اصولی، داشتن رهبری متمرکز در نظام را برای رهبری دسته جمعی علمی روحانیت باب کرد. (عنایت، ۱۳۸۰، ص ۲۷۹) این نهاد دینی - مذهبی در زمان شیخ محمد حسن نجفی اصفهانی به سال ۱۲۶۲ ق مرجعیت تام یافت و جایگاه روشنی نزد همه طبقات جامعه پیدا کرد. (کاظمی موسوی، ۱۳۷۶، ص ۲۰۸) ایشان، که شخصیتی منحصر به فرد داشت، در باب فقه سیاسی علما اشاره می‌کند که هرگاه قدرت لازم به دست آمد تصدی ولایت در امور سیاسی، قضائی و حکومتی واجب است. (زنجانی، ۱۳۷۳، ص ۶۱)

تمرکز معنوی در اندیشه اصولی به تدریج، تمرکز مالی نیز به همراه آورد. تا پیش از این مقامات دینی همچون «شیخ الاسلامی» از سوی حکومت تعیین می‌گردید و از حاکم مستمری دریافت می‌داشت، اما با تأسیس نهاد «مرجعیت» و استقلال از حکومت، این امتیاز و سلطه از حاکمیت سلب گردید. (آبادیان، ۱۳۷۶، ص ۲۱) رسیدن به استقلال مالی می‌توانست راهی برای استقلال آنان از وابستگی به حاکمیت باشد؛ به این معنا که برای حفظ موجودیت و اداره حوزه‌های علمی و تشکیلات خود، غیر از وجوهی که مردم

مسلمان به عنوان حقوق شرعی به آنها پرداخت می‌کردند تقریباً از هیچ مقامی چیزی دریافت نمی‌کردند و در نتیجه، چند گام به آزادی عمل و استقلال نزدیک‌تر شده بودند. (دوانی، بی‌تا، ص ۱۳) البته علما و ساداتی هم بودند که هدایا و مستمری از دولت دریافت می‌داشتند، اما این به معنای وفاداری آنها به حکومت نبود. (کدی، ۱۳۶۹، ص ۶۱)

به نظر می‌رسد برتری اصولی بر اخباری و دیگر اندیشه‌های پراکنده در آن زمان، موجب تمرکز کارکردهای متعدد روحانیت شد، نهاد مرجعیت را نیرومند ساخت و در پایان این قرن به روحانیان مطرح این دوره اجازه می‌داد تا در برابر استبداد داخلی و خارجی بایستند و در رأس جنبش‌های مردمی نقش رهبری ایفا کنند.

بنابراین می‌توان مهم‌ترین نتیجه حضور تفکر «مرجعیت دینی» را صدور احکام سیاسی با تکیه بر نظریه «ولایت فقیه» دانست. صدور حکم جهادی علیه کفار توسط روحانیان این دوره نمونه آشکاری از فتوای دینی مراجع در زمینه مسائل سیاسی بود. جنگ‌های ایران و روس زمینه صدور این احکام از سوی روحانیت را فراهم آورد. برتری اندیشه اصولی، اجتهاد، جهاد، ولایت فقیه و بسیاری از این مسائل، که غالباً از سوی روحانیان حوزه علمیه اصفهان مطرح می‌گردید، هر کدام در شرایط زمانی و مکانی خود، گامی به سوی یافتن پایگاه اجتماعی و سیاسی برای قشر روحانی جامعه بود. برآمدن مجتهدان اصولی و نیابت از امام زمان و الزام عوام به تقلید از آنان (کاظمی موسوی، ۱۳۹۷، ص ۱۵۹) نقطه عطف فعالیت روحانیان در جامعه گشت.

فتاوی جهادی روحانیان اصفهان در جنگ ایران و روس

دفاع از حدود سرزمین‌های اسلامی یکی از مبانی ایدئولوژیکی اسلام است. روحانیان همواره پاسداران و مبلغان این اندیشه بوده‌اند و برای تحقق آن در مواقع حساس کوشیده‌اند. احکام صادر شده از سوی روحانیان، همچون احکام جهادی در تقویت جایگاه دینی و

سیاسی آنان مؤثر واقع شده است. برای نمونه، در دوره قاجار به سبب شرایط سیاسی و محدوده مرزی، که بین ایران و روس‌ها در شمال کشور پیش‌آمده بود، این مسئله در کانون توجه قرار گرفت. فتوای جهادی یکی از مؤلفه‌های بازیابی نقش روحانیان بود که نسبت به دیگر مؤلفه‌ها متفاوت‌تر می‌نمود. شاه نیز همراه روحانیان بود و از آنان راهنمایی و مشاوره می‌خواست.

در زمان فتحعلی شاه قاجار دو دوره جنگ با روس‌ها (دوره اول: ۱۲۱۹-۱۲۲۸ ه. ق / ۱۸۰۴-۱۸۱۳ م؛ دوره دوم: ۱۲۴۱-۱۲۴۳ ه. ق / ۱۸۲۶-۱۸۲۸ م) در نواحی شمال غربی ایجاد شد. در آستانه جنگ دوم ایران و روس، مسلمانان نواحی گنجه، دربند و شیروان برای روحانیان نامه‌هایی نوشتند که کفار بر شهرهای ما غلبه کرده‌اند و خواسته‌اند کودکان ما را برای تعلیم دین و شریعت نزد معلمان آنان بفرستیم. آنان نسبت به قران و مساجد و شعایر اسلام جسارت‌هایی روا می‌دارند. (آل سیدغفور، ۱۳۸۴، ص ۲۷) در نتیجه، علمای اصفهان دست به یک اقدام مهم دینی - نظامی زدند. آقا سید محمد امام جمعه (اصفهانی)، حاجی سیداسدالله پسر حاجی سید محمد باقر، آقا محمد مهدی پسر حاجی محمد ابراهیم کلباسی و آقا محمد جعفر، (لسان الملک سپهر، بی تا، ج ۳، ص ۱۴۰۷) شیخ جعفر نجفی، محمدحسین خاتون‌آبادی و ملاعلی اکبر اصفهانی (اژه‌ای) در نامه‌هایی جداگانه حکم این رفتار دولت روس را در فتوای جهادی بیان داشتند. فتحعلی شاه، که خود را غازی راه دین و زنده‌کننده ملت سید المرسلین می‌دانست، (مفتون دنبلی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۷) به این فتاوا توجه کرد.

در این حین، روحانیان متعددی از اصفهان بیانیه‌هایی در زمینه جهاد و مبارزه با کفار صادر کردند و مردم را به این امر الهی برای میدان جنگ فراخواندند. محمد حسین خاتون آبادی دعوت به جهاد را با این جمله به پایان برد: «... صرف مال در امر جهاد، برکسی که مستجیب باشد، اجر ثواب آن عظیمه و بیشتر است از سایر مستحبات.» (رجبی دوانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۷۳)

اتخاذ چنین تصمیمی از سوی روحانیان سرشناس و حتی قرار گرفتن امر جهاد به عنوان واجب کفایی از سوی مرحوم ملاعلی اکبر اژه‌ای (منتظرالقائم، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۷۱) و موافقت شاه با مسئله جهاد، مردم را به سمت تأیید مقام و موقعیت روحانیان سوق داد. این در حالی بود که تا وقتی روحانیان اجازه جنگ و جهاد نمی‌دادند، مردم دست به اسلحه نمی‌بردند. (بروگش، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۸۳) نتیجه این جنگ‌ها اگرچه برای حکومت قاجارها به بهای واگذار کردن بخش‌هایی از نواحی مرزی و دخالت در امور سیاسی و اقتصادی کشور از سوی دولت روس تمام شد، اما سرآغازی برای صدور فتوای روحانیان طراز اول در امور سیاسی و اقتصادی کشور و تلنگری برای شخصیت‌های دلسوزی همچون عباس میرزا بود تا دست به اصلاحات چندجانبه بزنند.

کسب مشروعیت سیاسی حاکمان از رهبران دینی

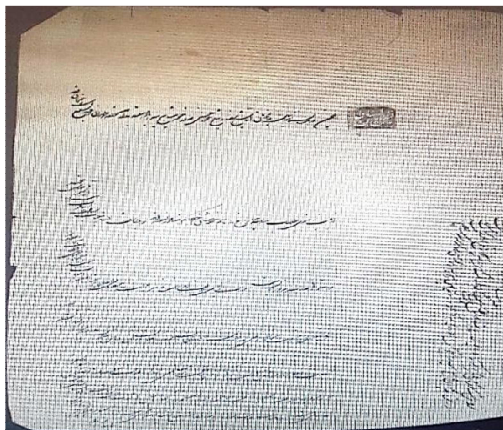
قاجارها در زمان شروع حاکمیت خود، با خلأ مشروعیت یا پشتوانه مذهبی روبه‌رو بودند. سؤالی که مطرح می‌گردد این است که تقویت نقش روحانیان چه تأثیری بر کسب مشروعیت سیاسی حاکمان قاجار داشت؟ اگرچه شاهان قاجاری با کمک شمشیر و پیروزی در میدان جنگ بر دیگر رقبا برتری یافته بودند و این موضوع برای داشتن حاکمیت در ایران لازم بود، اما کافی نبود. آنها همچون صفویان از علقه مذهبی در جامعه برخوردار نبودند. به همین سبب، حاکمان قاجار علاوه بر طی یک دوره فعالیت نظامی و تلاش برای سروسامان دادن به اداره جامعه و تعیین نسبی مرزها، سیاست‌هایی را نیز در پیش گرفتند تا از مقبولیت و مشروعیت برخوردار گردند و پایگاه خود را تثبیت کنند: ارتباط با علما، به ویژه روحانیان سرشناس و مردم‌پسند، فعالیت‌های عمرانی در مزارات ائمه اطهار علیهم‌السلام و تعمیر بقاع متبرک، چه در داخل ایران و چه در اماکن مقدس عراق، (جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴، ص ۲۲۰) ساخت تکیه، برپایی مراسم تعزیه‌خوانی و سوگواری‌های مذهبی، روزه‌دارای، مشورت با علما و کسب اجازه در امور گوناگون از جمله استخاره، (الفت،

۱۳۸۴، ص ۲۳۴) دستور ساخت و تعمیر مکان‌های عام المنفع همچون کاروان‌سرا، مسجد، حمام (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۴، ص ۶۳) و دیگر رفتارهای نمایشی که در جهت کسب مشروعیت دینی به انجام رسید.

فتحعلی شاه از همان آغاز حکومت خود با تزیین و تعمیر حرم‌ها و ساختن مساجد، در نظر داشت تا نظر علما را به خود جلب کند. تنها در سال دوم حکومت خود، بیش از یکصد هزار تومان خرج اماکن متبرک عراق، قم و شاهچراغ شیراز کرد. قم از نظر وی بسیار ارزشمند بود؛ زیرا این شهر اقامتگاه تعداد زیادی از مجتهدان، همچون میرزا ابوالقاسم (فاضل قمی) بود. (الگار، ۱۳۶۹، ص ۸۸-۸۹) اگر فتحعلی شاه نسبت به روحانیان راه اغماض در پیش گرفته بود و رضایت به حضور و فعالیت آنان در برخی امور داشت، امیدوار بود که در میان آنان نفوذ قابل اطمینانی به دست آورد. اداره بخشی از اماکنی که شاه بانی آن بود، به روحانیان سرشناسی واگذار شد که شاه علاقه‌مند بود در اعتبارشان نفوذ کند. اداره «مسجد شاه» نوساز در تهران یکی از این اقدامات بود که بنابر درخواست شاه به سید مهدی خاتون‌آبادی امام جمعه اصفهان واگذار شد. (طباطبائی، ۱۳۶۷، ص ۶۹-۷۰)

اهمیت و توجه به مقام روحانی و عالم نیز یکی دیگر از راه‌های کسب مشروعیت برای حاکمان بود. میرزا ابوالحسن جلوه، که کسب فیوضات علمی‌اش، به ویژه در باب حکمت و فلسفه شرق در اصفهان شکل گرفته بود، زمانی که در تهران به سر می‌برد مکرر با حضور ناصرالدین شاه در منزلش روبه‌رو بود. (شمیم، ۱۳۸۴، ص ۳۹۸) ظل السلطان، حاکم اصفهان، با همه رفتارهای غیرسیاست‌مدارانه‌ای که در طول حکومتش در اصفهان داشت، گاهی حکم‌هایی صادر می‌کرد تا به شکلی روحانیان را وابسته به دربار خود سازد. حکم‌های مالی و حقوقی، که ظل السلطان برای روحانیان مطرح اصفهان، از جمله متوئیان مساجد و مدرسه‌های دینی صادر می‌کرد، نمونه‌ای از این رفتارها بود.

(تصویر ۱)



تصویر (۱): حکم ظل السلطان در خصوص پرداخت مستمری طلاب مدرسه چهارباغ اصفهان به میرزا مهدی مجتهد، متولی موقوفه مدرسه چهار باغ در سال ۱۲۹۵ ق. (شماره سند: ۶۴۷۶/۹۹۸)

به نظر می‌رسد اکثر قریب به اتفاق حاکمان قاجاری فعالیت‌های مشروعیت‌سازی را به روش‌های گوناگونی اجرا نموده‌اند تا به تمام رفتارهای سیاسی و اقتصادی خود، سرپوشی از حقانیت و تأیید الهی بگذارند. این رفتار مشروعیت‌طلبانه حاکمان قاجاری در میان فرزندان و حاکمان ایالات هم دیده می‌شد. اگرچه پادشاه با اجرای رفتارهایی سعی در کسب مشروعیت لازم برای خود داشت، اما روحانیان نیز به عنوان نهاد دوم جامعه از این فرصت استفاده کردند و آن را گامی در جهت کسب اقتدار بیشتر به شمار آوردند.

۵. مبارزه روحانیان با وابستگی اقتصادی بیگانگان و حمایت از تولید ملی

یکی از مسائل مهمی که روحانیان، حاکمیت و مردم - اعم از طبقات گوناگون - با آن ارتباط تنگاتنگی داشتند، اقتصاد و امور مالی بود. مبارزه آشکار و پنهان روحانیان با استبداد اقتصادی داخلی و استعمار خارجی در تثبیت جایگاه آنان چگونه توجیه می‌گردد؟ بخشی از این مبارزه به سبب وجهه دینی و شرعی قشر روحانی، مربوط به موقوفه‌ها، خمس، زکات، ثبت املاک، دارایی‌ها و نذورات می‌گردد. بخشی از مسائل اقتصادی هم به

رفتارهای اقتصادی حاکمان قاجاری بازمی‌گشت. انعقاد قراردادهای تجاری و اقتصادی و تأسیس مراکز مالی و واگذاری بخشی از عایدات کشور به بیگانگان نمونه‌ای از این رفتارها بود. البته چون بخش اعظمی از این مسائل جنبه شرعی و یا با زندگی مردم ارتباط مستقیمی داشت، هم مردم در آن جریان خواسته و ناخواسته دخالت داشتند و هم روحانیان خود را موظف به دخالت و حتی گاهی صدور فتوا و بیانیه می‌دانستند.

از جمله رویدادهای اقتصادی و مالی، که در دوره قاجار در ایران اتفاق افتاد، می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد:

۱. هجوم دولت‌های اروپایی به کشورهای ضعیف برای غارت منابع مادی و انسانی (برای تأمین بخشی از هزینه سیاست‌های استعماری و نیمه استعماری خود)؛
۲. انعقاد قراردادهای سوداگرانه و یکجانبه از سوی غرب با حکومت و استثمار مردم ایران؛
۳. پیدایش آثار نوین صنعتی و تأثیر آنها بر تفکر و مشی اجتماعی. (بهشتی سرشت، ۱۳۸۰، ص ۵۳-۵۴)

عمده مبارزه و بیانیه‌های روحانیان در زمینه تحریم کالاهای بیگانه و قطع فعالیت اروپایی‌ها در ایران بود. علمای اصفهان در این زمینه نسبت به دیگر شهرها پیشرو بودند. وجود حجم بالایی از کالاهای خارجی در بازار، واکنش مردم و بازاریان و در نهایت، برخورد روحانیان را در پی داشت. شیخ محمد علی، برادر آقاجفی، نسبت به این موضوع معترض بود و تمام کالاهای انگلیسی را در دکان‌های اصفهان حرام اعلام کرد. (آبادیان، ۱۳۷۶، ص ۱۲۳) مرحوم حاج آقا نورالله (۱۳۴۶ م) در مبارزه اقتصادی با خارجی‌ها تمام کوشش و تلاشش را مبذول داشت و حتی بر روی منبر مسجد و در مجامع عمومی و خصوصی بارها در این زمینه سخنرانی کرد. او بر روی منبر از مردم می‌خواست کالای خارجی نخرند و سرمایه خود را به خارجی‌ها نسپارند.

ملا محمد حسین فشارکی همراه با دیگر علمای اصفهان در یک اقدام ملی، استفاده از کالای خارجی را تحریم کرد. (فشارکی مطلق، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۸۱) حاج میرزا محمد مهدی

جوباره‌ای به همراه آقایان مسجدشاهی بیشترین تأکیدشان بر منع استعمال کالاهای خارجی بوده است. (مهدوی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۴-۳۵) علمای دیگر به طور معمول استعمال کالای خارجی را برای جلوگیری از گرفتار شدن مسلمانان در عسر و حرج، حرام اعلام نکردند، اما خود و اطرافیان‌شان از خرید و مصرف آن اجتناب ورزیدند. (مهدوی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۴۱۲-۴۱۳) روحانیان اصفهان در نامه‌های متعددی به علما و افراد سرشناس دیگر، آنان را به استفاده از کالاهای وطنی تشویق و از استفاده کالاهای خارجی نهی می‌کردند. از جمله نکاتی که بر آن تأکید می‌کردند عبارت بود از:

۱. از کاغذ آهار تولید خارجی، به ویژه در نوشتن قباله‌ها و احکام شرعی استفاده نشود.
 ۲. از کفن ایرانی، همچون کرباس، پارچه اردستانی و ایرانی استفاده شود، نه کفن خارجی در غیر این صورت از نماز و شرکت در دیگر مراسم میت معذوریم.
 ۳. لباس مردانه تنها دوخت و پارچه ایرانی داشته باشد و منسوجات غیرایرانی نپوشیم.
 ۴. مهمانی‌ها، چه خاصه و چه عامه مختصر باشد. (رجبی‌دوانی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۱۳)
- اصول اندیشه سیاسی آقاجانی دارای ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دینی بود. در لایه‌های تفکر سیاسی وی در زمینه اهداف اقتصادی، منابع تحقیقی از ترویج خودکفایی ملی، به ویژه بعد از واقعه تنباکو و در نهایت، تأسیس «شرکت اسلامی»، به استقلال و تمامیت ارضی و استعمارستیزی او اشاره دارد. (صوفی نیارکی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰-۱۳۸)

این نمونه رفتارهای سیاسی علما مقبول مردم و به ویژه قشر بازرگان و بازاری بود. در این دوره این دو طبقه اجتماعی، فعالیت‌های اقتصادی دولت را تهدیدی برای راه و رسم اسلام، مقام و موقعیت خود تلقی می‌کردند. (کدی، ۱۳۸۱، ص ۸۰) بنابراین بیش از گذشته بین آنها همبستگی برقرار گشته بود. بازاریان و بازرگانان منابع مالی روحانیان و حوزه را تأمین می‌کردند، علما هم محافظ مبنای سیاسی تجار و بازرگانان بودند. (اشرف، ۱۳۵۹، ص ۱۱۱-۱۱۲)

این رابطه گواه اهمیت جایگاه روحانیان نزد بازاریان و موفقیت آنان در مقابل رفتارهای اقتصادی حکومت و بیگانگان است. یکی از اسرار موفقیت و محبوبیت روحانیان طراز اول در این زمان، شناخت و ارزیابی دغدغه‌های مردم، به خصوص در بُعد اقتصادی بود. آقاجنبی روحانی‌ای بود که یا از زبان مردم مشکلات مالی آنان را می‌شنید و یا با طرح برنامه و سؤالات گوناگون از گرفتاری‌ها و مشکلات آنان آگاهی می‌یافت و تمام تلاش خود را صرف برطرف کردن آنها می‌ساخت. (مهدوی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۱۵)

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های روحانیان اصفهان در زمینه اقتصادی، مبارزه در برابر استعمار خارجی و دفاع از حقوق مردم در رویدادهایی همچون «جنبش تنباکو» بود. همراهی آگاهانه روحانیان در کنار مردم و قشر بازاری توانست آنان را در این مسیر موفق گرداند. پیروزی روحانیان در این راه، نه تنها آنان را برای جنبش‌ها و فعالیت‌های مهم و مؤثر بعدی همچون جنبش مشروطه یاری کرد، بلکه همه اقشار جامعه به اهمیت و تأثیر حضور فعالانه روحانیان اصفهان در ابعاد گوناگون اقتصادی پی بردند.

برخورد روحانیان با جور حکام محلی و مرکز

تقریباً تا اقدامات تحولی ناصرالدین شاه در کشور، منبع و مرجع مشخصی برای رفع ستم از مردم وجود نداشت. افرادی که چنین اقداماتی را رفع و رجوع می‌کردند غالباً خود باعث و بانی این اوضاع نابسامان بودند. اگر دادخواهی هم انجام می‌شد چنانچه حاکم به نفع خود نمی‌دید، جلسه رفع دعوا در سکوت برگزار می‌گردید و این سکوت نیز برای حق‌کشی مظلومان کفایت می‌کرد. (طرب، ۱۳۴۲، ص ۲۱۷-۲۱۸) بنابراین در دوره قاجار، روحانیان حامی توده مردم دادخواه شدند.

روحانیان، که دارای پایگاه اجتماعی برای حمایت از مردم بودند، در مقابله با ظلم و تعدی حکام محلی و مرکز چگونه واکنش نشان می‌دادند؟ آنان به سبب آگاهی از علوم گوناگون و شناخت ویژگی‌های استبدادی حاکمیت، در هر موقعیتی همت خود را به کار

می‌بردند تا حامی مردم باشند. اصفهان در دوره حکمرانی ظل‌السلطان ایام پر فراز و نشیبی از ظلم و بیداد را سپری می‌کرد. حوزه علمیه، دانشمندان و علما می‌توانستند مأمونی برای همه مردم باشند.

خاندان‌های معروف و شخصیت‌های دانشمندی به مدد استادان مطرح حوزه علمیه اصفهان پرورش یافته بودند؛ از جمله خاندان‌های نجفی (مسجدشاهی)، خاتون‌آبادی، شفتی و روضاتی که حامیان مردم در این دوره بودند. آقامحمد بیدآبادی یکی از این شخصیت‌های دانشمند مطرح زمانه خود بود. ایشان حامی حقوق قانونی و شرعی مردم بود و در برابر اربابان ستم به دفاع از مظلوم برمی‌خواست و در صورت لزوم، خود عملاً وارد صحنه می‌شد. (علیخانی و همکاران، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۳۳۴)

در میان خاندان چهارسوقی، صاحب روضات و پدر جلیل‌القدرش و دیگر اعضای خاندان وی، هر کدام به حسب موقعیت و مقام خود، خدماتی ارائه داده‌اند. در امور لاینحل به پاس احترام و آبروی ایشان معضلات حل و فصل می‌گردید. عموم مردم، حتی برای کارهای جزئی نیز به درگاه این خاندان متوسل می‌شدند. (روضاتی، بی‌تا، ص ۳۳) در این دوره، مسجد تنها پناهگاه مردم جویای حق نبود، بلکه علمای متعددی بودند که خانه‌هایشان ملجأ افرادی بود که به آنها اجحاف شده بود. (آوری پیترو و دیگران، ۱۳۹۱، ج ۷، ص ۴۸۵)

درباره عملکرد خاندان بیدآبادی نیز در میان کتب متعدد، مطالبی بیان شده است. داستانی از تلاش شخصیت‌هایی از خاندان بیدآبادی برای رفع ظلم حاکمان اصفهان نقل می‌گردد که گواه گرایش مردم به آنان و ترس حاکمان از حضور و رفتار آنان است. گفته شده: یکی از حاکم اصفهان بنای تعدی گذاشته بود و مالیات فراوانی از مردم می‌گرفت. رفتار وی موجب پریشانی مردم شهر گردید. بیدآبادی در نامه‌ای خطاب به وی، او را نصیحت و تهدید کرد؛ اما حاکم نسبت به ایشان بی‌توجه بود. هجرت ایشان همراه شاگردانش به شیراز موجب تنبیه حاکم گردید. (علیخانی و همکاران، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۳۴۷)

سیدمحمد باقر شفتی از جمله شخصیت‌های بیدآبادی بود که در رفع ستم، صدور احکام و در نهایت، اجرای حدود زباز زد بود. او این رفتار را یک وظیفه شرعی می‌دانست، هر چند شاه از رفتار وی راضی نبود. (مهدوی، ۱۳۶۸، ص ۱۲۳-۱۲۴)

قدرت روزافزون روحانیان اصفهان و تمایلات صوری پادشاهان به آنان در جهت حفظ موقعیت خود، موجب گردید روحانیان بیشتر و با اراده بهتر از قدرت معنوی خود در جهت رفع ستم حاکمان بهره ببرند.

ملاحمد نراقی یکی از روحانیان دوره فتحعلی شاه بود. وی حاکم کاشان را، که در اداره شهر کوتاهی می‌نمود، از کارش خلع کرد. فتحعلی شاه ابتدا از این اقدام وی ناراحت شد و در نتیجه وی را به دربار فراخواند و این عالم را بازخواست کرد. مرحوم نراقی رفتار شاه را به خدا گلایه کرد و شاه چون از نفرین وی در حق خود می‌ترسید از وی معذرت خواست و طبق نظر وی حاکمی برای آن ولایت تعیین نمود. (خالقی‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۰۹)

علما غالباً نقش مدافع منافع محلی و منطقه‌ای برای مردم در برابر حکومت و والیان داشتند (هالم، ۱۳۸۴، ص ۲۰۳) و این رفتار قابل تأمل، هم موجب پررنگ شدن موقعیت آنان در شرایط سیاسی و اجتماعی دوره قاجار می‌شد و هم آنان را نماینده منافع اقشار گوناگون به مردم معرفی می‌نمود.

خلع نهادهای قضایی، امنیتی و آموزشی مؤثر در جامعه و ایفای این وظایف توسط علما

ضعف کارکردهای وجودی نهادهای قضایی، امنیتی و آموزشی در کشور سنت‌گرای ایران - دست‌کم - لااقل تا زمان اصلاحات ناصرالدین شاه، عاملی شد برای آنکه این قشر جامعه به مدد آگاهی و دانش حوزوی و دینی بتواند بخشی از این خلأ را جبران کند (کدی، ۱۳۶۹، ص ۶۱) و بر محبوبیت خود نزد مردم بیفزاید. عملکرد نهاد روحانیت در خلع نهادهای گوناگون سیاسی و اجتماعی در جامعه قاجار چگونه بر محبوبیت آنان افزود؟

ادوارد پولاک، سیاح عصر قاجار، می‌نویسد: روحانیان مردمانی با ایمان و آگاهی، و با این ویژگی از دیگران ممتاز بودند. بسیاری از آنان در عرصه ادب شهرت زیادی داشتند و سرانجام، به خاطر قضاوت و رسیدگی به دعاوی مردم توانستند طبقات اجتماعی دیگر را سرسپرده خود کنند. (پولاک، ۱۳۶۱، ص ۲۲۵)

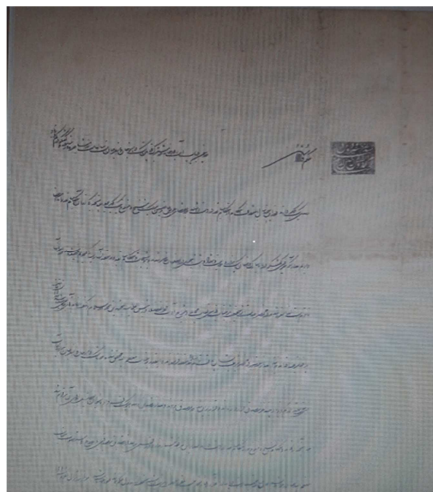
روحانیان اصفهان در میان شهرها و روستاها نفوذ زیادی داشتند. برپایی محاکم شرعی، تنظیم اسناد تجاری، حل و فصل اختلافات مردم، تشریفات ازدواج و طلاق، کفن و دفن و اجرای مراسم مذهبی ایام محرم و صفر، و نظارت بر اوقاف همه در اختیار آنان بود. (آژند، ۱۳۶۷، ص ۷۲) انجام امور متعدد وابستگی مردم را به روحانیان بیشتر می‌کرد. دایر شدن مکتب‌خانه‌ها و حوزه‌های درسی برای آموزش دینی و علوم گوناگون جذب بیش از پیش مردم به روحانیت و افزایش اعتبار و اهمیت آنان در جامعه را در پی داشت.

احکامی که از سوی روحانیان و به ویژه علمای معتبر صادر می‌گردید بدون هیچ تعلل و انتظار تأیید شاه، غالباً توسط روحانیان به اجرا در می‌آمد. این روشی بود که سیدمحمد شفتی، مرجع بزرگ اصفهان، در ایام پادشاهی فتحعلی شاه در پیش گرفته بود. وی معتقد بود: جایز نیست حکم خداوند را به تأخیر بیندازیم و منتظر دستور پادشاه بمانیم. (رجبی دوانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۹۰) رفتار او تا حدی امنیت شهر را، که به سبب اشرار سلب شده بود، تأمین کرد؛ چنان‌که بعد از فوت ایشان، اشرار بار دیگر راه گستاخی را در پیش گرفتند. (جابری انصاری، ۱۳۷۸، ص ۳۱۲-۳۱۳)

تنکابنی در روایتی به صدور حکم و اجرای آن توسط شفتی اشاره دارد: چون انجام رفتار لواط بر شخصی اثبات شد حکم به قتل او داد. اما هر کس به طریقی از اجرای حکم ابا داشت. سرانجام، او خود حکم را اجرا کرد و بر جسدش نماز خواند. (تنکابنی، بی‌تا، ص ۱۴۵)

رسیدگی به امور مردم و رفع اختلافات آنان توسط سید شفتی و فرزندانش مستمر ادامه داشت. برای نمونه می‌توان به آقا سیداسدالله شفتی، یکی از فرزندان ایشان، اشاره کرد

که مردم برای حل اختلافات کشاورزی و امور مربوط به آن نزد ایشان می‌رفتند و داوری ایشان را می‌پذیرفتند. (تصویر ۲)



تصویر (۲): رفع اختلاف بر سر تقسیم آب در محضر آقا سید اسدالله شفتی (شماره سند ۹۷/۲۸۰/۷۳)

آقاجفی نیز از جمله علمای شجاع دوره قاجاریه و رئیس روحانیان اصفهان بود. وی بارها امور قضایی را برعهده گرفت و خود نیز فوری آن را اجرا کرد. مبارزه با قائله بابی‌گری نمونه بارزی از جسارت و شجاعت وی بود که دوبار بر سر این موضوع به دربار فرا خوانده شد. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵، ص ۷۸۳ / مهدوی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۶)

رسیدگی ضعیف و مغرضانه به محتوای شکایات مردم از سوی حاکمان و گماشتگان دربار در ولایات، امنیت را از مردم گرفته بود. بست‌نشینی نمونه دیگری از اقدامات روحانیان بود که در جهت برقراری امنیت و به ویژه پناه دادن به مردم بی‌گناه، که بنا به علل گوناگون از سوی حکومت تحت تعقیب قرار گرفته بودند، انجام می‌شد. به رغم سوء استفاده‌هایی که از بست‌نشینی می‌شد، اما این امکان را برای مردم فراهم می‌آورد تا از استبداد نامشروع دولت به نمایندگان تنها قدرت مشروع، یعنی روحانیان پناه ببرند. (الگار،

۱۳۶۹، ص ۵۱) محل‌هایی که به این امر اختصاص می‌یافت مسجد، امامزاده‌های شهر، کوچه و منزل افراد متشرع بود. منزل روحانیان مکان مناسبی برای پناه‌جویان بود؛ زیرا کمتر کسی جرئت حضور بدون اجازه به خانه آنها را داشت.

روحانیان، به ویژه در اصفهان - بنابه عللی که یاد شد - قدرت روزافزونی به دست آورده بودند و به مرور زمان، رفتار قاطع‌تر و جدی‌تری نسبت به حاکمان وقت و تواضع آشکاری نسبت به مردم و فقرا اعمال می‌کردند. همایی شیرازی اشاره دارد که روحانیان تنها قوه‌ای بودند که در مقابل حکام ایستادگی می‌کردند و جلوی هرگونه خودسری و هوسرانی حاکمان و وابستگان‌شان را تا حدی می‌گرفتند. آنان کم‌وبیش در همه ولایات، (همای شیرازی، ۱۳۴۲، ص ۲۱۶) از جمله در اصفهان، به برکت فعالیت پربار حوزه علمیه حضور داشتند.

منبر؛ فرهنگی شفاهی در تقویت جایگاه روحانیان

منبر رسانه‌ای عمومی بود که روحانیان برای بیان حقایق جامعه، ارشاد و هدایت، وعظ و خطابه، شرح آنچه گذشته، روزگار حال و هدایت برای آینده شنوندگان از آن استفاده می‌کردند. سخنرانی‌های راهبردی در زمینه رویدادها و حوادث دوره قاجار به کمک منبر چه تأثیری در تقویت جایگاه روحانیت ایفا می‌کرد؟

منبر برای روحانیان دوره قاجار شیوه اثرگذاری بود. توانایی بیان با نفوذ و کلام‌گیرا از سوی روحانیان در تقویت جایگاه آنان مؤثر بود. از جمله واعظان منبرنشین اصفهانی می‌توان به جمال‌الدین واعظ اصفهانی اشاره کرد که از شهرت فراوانی برخوردار بود. او از تهران به اصفهان نقل مکان کرد و در زمره منبریان معروف شهر اصفهان زمان ظل السلطان قرار گرفت. واعظ اصفهانی جسته‌گریخته حرف‌های تازه‌ای از رویدادهای روز، به ویژه مسائل سیاسی و اوضاع زمانه می‌زد که گاهی دردسرهایی برای وی به همراه داشت. (بامداد، ۱۳۴۷، ص ۲۵۵) او از خطرهایی که جامعه را تهدید می‌کرد آگاهی داشت. زمانی که به

منبر می‌رفت، چنان بود که گویی دیوانه شده است؛ منبر از حدّت او به لرزه می‌افتاد! (یغمائی، ۲۵۳۷، ص ۱۳)

مراتب علمی، وعظ و منبر محمد باقر فشارکی هم شهرت فراوانی داشت. موعظه وی بر روی منبر برای عالم و عامی پرجاذبه بود و هر کدام به سهم خود از آن بهره می‌بردند. (همایی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۷-۱۶۸)

از روحانیان سرشناس منابر شهر اصفهان می‌توان به صدرالواعظین سید محمد شهشهانی (م ۱۳۶۴ ق)، میرزا محمد هاشم چهارسوقی و آقاسید محمد باقر درچهای اشاره نمود که هر کدام به سهم خود در جهت رسیدن به پایگاه اجتماعی مطلوب در تلاش بودند.

مقابله روحانیان با عقاید و فرقه‌های انحرافی

واکنش روحانیان در مقابله با جریان‌های فکری انحرافی چگونه در تعالی جایگاهشان مؤثر واقع می‌شد؟

با پایان یافتن حکومت صفویه، درگوشه و کنار شهرها اندیشه‌های صوفیانه بازمانده از دوره صفویه و تفکر اخباری همچنان به قوت خود باقی بود و پیروانی داشت. در روزگار حاکمیت فتحعلی شاه اندیشه بابی‌گری رواج داشت که برخی از منابع این اندیشه را تحت حمایت استعمارگر خارجی روس در شمال کشور (مسعودمیرزا، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۹۵) و حمایت انگلیسی‌ها در جنوب می‌دانستند. (محمود، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۰۰) همین موضوع باعث مبارزه و صدور حکم تکفیر علیه آنان از سوی روحانیان اصولی در اصفهان گردید. در زمان حاکمیت فتحعلی شاه اندیشه شیخ احمد احسائی، معروف به «شیخیه»، نیز مطرح بود. باور مذهبی آنان نیز مقبول مجتهدان شیعه نبود و در چارچوب باورهای آنان نمی‌گنجید. (حائری، ۱۳۸۰، ص ۳۶۲)

برخورد با این انحرافات دینی و اثبات حقیقت دین از سوی علمای اصفهان بیشتر بود. این شهر مرکزیت حوزوی و تعداد زیادی طلبه داشت که همین فضای دینی و افزایش

اطلاعات مذهبی مردم در این شهر را فراهم می‌آورد. تبلیغات عوام فریبانه بابی‌ها و بهائی‌ها با وجود اقتدار مرجعیت علمی در این شهر بیشترین ضربه‌ها را متحمل شد. (مهدوی، ۱۳۹۰، ص ۳۵)

علما و روحانیان شهر اصفهان به سبب گسترش روح تعصب بی‌مدارایی که اعتقادات مذهبی در این شهر فراهم آورده بود، بیش از گذشته با انحرافات دینی به مقابله می‌پرداختند. (لردکرزن، ۱۳۵۰، ص ۵۴)

آقاجفی اصفهانی، هم در دوران مرجعیت پدرش و هم در زمان ریاست دینی خود، به خوبی از این مسئله آگاه بود. در کنار اقداماتی که او علیه نحله‌های انحرافی به صورت مستقیم انجام می‌داد، گاهی از علمای دیگر شهرها، از جمله تهران نیز درخواست برخورد قاطع با این انحرافات اعتقادی را داشت. میرزا محمد حسن آشتیانی، روحانی طراز اول تهران، بنابر درخواست آقاجفی، با تحریکات بابی‌ها در تهران به مقابله می‌پرداخت. (نجفی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۷)

شیوه‌های برخورد با فرقه‌های انحرافی از سوی روحانیان متفاوت بود. منوچهرخان معتمدالدوله، حاکم اصفهان، در دوره‌ای با محمدعلی باب در ارتباط و وی را در اصفهان پناه داده بود. یکی از راه‌های مبارزاتی روحانیان اصفهان برگزاری جلسه بحث و مناظره در حضور باب و حاکم اصفهان بود. بدین‌روی، مناظره‌ای برای رد نظریه‌های بابی وی در این شهر با حضور علما تشکیل شد. در این مناظره امام جمعه و جماعت اصفهان میرزا سید محمدآقا و محمد مهدی، پسر حاجی ابراهیم کلباسی، و میرزا محمد حسن، پسر ملاعلی نوری، حضور داشتند (لسان‌الملک سپهر، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۳۲-۸۳۳) و با یک مناظره منطقی و علمی اندیشه وی را منحط اعلام کردند.

به طور کلی دستور تکفیر بابی‌ها توسط روحانیان اصفهان در چند مرحله اتفاق افتاد:
۱. در سال ۱۲۵۰ ه. ق به دستور حاج شیخ محمد باقر مسجدشاهی که دو برادر سید ابراهیم آقا، به نام‌های میرزا حسن و میرزا حسین کشته شدند.

۲. در سال ۱۳۰۵ ه. ق به دستور آقاجانی که دو تن به نام‌های جواد صراف و حاج میرزاعلی خزانه به بابی‌گری متهم شدند؛ اما آن دو موفق شدند به قفسول‌خانه روس‌ها پناهنده شوند.

۳. بابی‌کشی سده‌های هاکه در سال ۱۳۰۷ ه. ق به دست روحانیان مسجدشاهی اتفاق افتاد.

۴. در سال ۱۳۲۰ ه. ق برای بار چهارم، حاج میرزا حسین و حاج میرزاهادی به تهمت بابی‌گری به حکم حاج میرزا محمد علی زنجانی و برادرش حاج میرزا ابوالقاسم با وضع اسفناکی کشته شدند، در حالی که بیشتر مردم آنها را بی‌گناه می‌دانستند. (همایی شیرازی، ۱۳۹۰، ص ۶۷۰-۶۷۱)

دربار نیز با آنان همراه بود و کمتر پیش می‌آمد که در راه مبارزه و برخورد با فرقه‌های انحرافی، همچون صوفی‌ها، اخباری‌ها، بابی‌ها و در نهایت، شیخی‌ها به مخالفت با روحانیان برخاسته باشند. اگرچه همکاری دربار با روحانیان در این زمینه مطلق نبود، اما رهایی یافتن از این اندیشه‌های منحط در جامعه ایران می‌توانست به نفع حاکمان نیز باشد.

جمع‌بندی و نتیجه

دوره حاکمیت قاجارها در ایران از ادوار مهم تاریخ ایران به شمار می‌رود، هم از لحاظ سیاسی، هم اقتصادی، اجتماعی و به ویژه دینی. بنای حکومتی که آقامحمدخان در ابتدای قرن ۱۳ ه. ق در تهران پایه‌های آن را ریخت، در زمان جانشینانش مستحکم‌تر گردید؛ اما با فراز و فرودهایی همراه شد. علما با تأسیس حوزه‌های علمیه جدید در شهرها و رونق بخشیدن به حوزه‌های علمی پیشین، همچون شهرهای اصفهان، شیراز، همدان، کرمان، تبریز، مشهد، قم و ری حیات علمی جدید و کارکردهای دینی، سیاسی و اقتصادی نوینی را در این شهرها رقم زدند. علمای حوزه علمیه اصفهان مراجع بزرگ و آگاهی بودند که در حلقه درس آنان فراگیران علوم نقلی و عقلی متعددی حضور داشتند. شرایط و اوضاع جامعه و حضور علمای آگاه در این برهه از زمان، اصفهان را به یک کانون حساس و مهم برای علما تبدیل ساخته بود.

اوضاع سیاسی و اجتماعی دوره قاجار برای روحانیان فرصت مناسبی بود. بهره‌گیری خردمندان از فرصت‌های پیش آمده در این دوره از سوی روحانیان، حمایت و - گاهی - نیاز حاکمان و سلاطین به پشتیبانی علما، به ویژه مراجع بزرگ تقلید، و قبول کاریزماتیک بودن روحانیان از سوی مردم بر جایگاه و نقش روحانیان در قرن ۱۳ هـ.ق تأکید کرد.

عوامل ذیل خلاصه‌ای از فعالیت‌ها و تلاش‌های علما و روحانیان دوره قاجار و به خصوص عالمان دینی اصفهان در افزایش نقش سیاسی و اجتماعی‌شان در قرن ۱۳ هـ.ق بود:

۱. فعالیت پویای حوزه علمیه به ویژه در شهر اصفهان؛ ۲. برتری اندیشه اصولی بر اخباری و تبعات ترویج اندیشه اصولیان؛ ۳. کسب مشروعیت سیاسی حاکمان از رهبران دینی؛ ۴. مبارزه با وابستگی اقتصادی به خارج و حمایت از تولید ملی؛ ۵. برخورد با جور حکام محلی و مرکز؛ ۶. فتاوی‌های جهادی در جنگ ایران و روس؛ ۷. منبر به مثابه یک فرهنگ شفاهی؛ تقویت‌کننده جایگاه روحانیان؛ ۸. مقابله با عقاید و فرقه‌های انحرافی؛ ۹. خلع نهادهای قضایی و امنیتی و آموزشی در جامعه و ایفای این وظایف توسط علمای آگاه.

علمای اصفهان با دایر ساختن و فعالیت مستمر حوزه علمیه، توانستند طلبه‌هایی را آموزش دهند که هر کدام در مقاطع حساس دوره قاجار رفتار و عملکردشان مؤثر و راهگشا بود. این موقعیت‌ها، که در قالب چند مؤلفه جای می‌گیرد، برگرفته از اوضاع داخلی و خارجی کشور بود. بخشی از این مؤلفه‌ها برخاسته از عملکردهای دولت و سیاست‌های منفعت‌طلبانه دولت‌های همسایه دور و نزدیک بود. بخش دیگر متأثر از آگاهی حاصل از علوم آموخته شده نزد روحانیان این شهر در راه جبران نواقص و کمبودهای دوره قاجار بود. چه بسا این رفتارها و تصمیم‌گیری‌ها به صورت پنهان و آشکار گام به گام روحانیان را به جایگاه اصلی‌شان در بخش‌های گوناگون جامعه سوق می‌داد؛ امری که سال‌های نه چندان دور در صفوف انقلاب مشروطه و چندین سال بعد در نهضت انقلاب اسلامی به منصفه ظهور رسید.

منابع

۱. اشرف، احمد (۱۳۵۹)، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران در دوره قاجاریه، تهران، زمینه.
۲. اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان (۱۳۴۵)، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات در اواخر دوره ناصری، مقدمه و فهارس ایرج افشار، تهران، امیرکبیر.
۳. آبادیان، حسین (۱۳۷۶)، اندیشه دینی و جنبش ضد رژی در ایران، تهران، بی‌نا.
۴. آژند، یعقوب (۱۳۶۷)، قیام تنباکو، تهران، امیرکبیر.
۵. آل سید غفور، سید محسن (۱۳۸۴)، جایگاه سیاسی عالم دینی در دو مکتب اخباری و اصولی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۶. پیتر آوری، مولفین و گاوین همبل و چارلز سلوین (۱۳۹۱)، تاریخ ایران (دوره افشار، زند و قاجار)، در مجموعه تاریخ کمبریج، ج ۷، ترجمه تیمور قادری، بی‌جا، بی‌نا.
۷. بامداد، مهدی (۱۳۴۷)، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲، ۱۳، ۱۴ هـ. ق، بی‌جا، بانک بازرگانی ایران.
۸. بروگش، هاینریش کارل (۱۳۶۷)، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه حسین کردبچه، تهران، اطلاعات.
۹. بهشتی سرشت، محسن (۱۳۸۰)، نقش علما در سیاست (از مشروطه تا انقراض قاجار)، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۰. پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱)، سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، خوارزمی.
۱۱. تحویلدار، میرزا حسین خان (۱۳۴۲)، جغرافیای اصفهان (جغرافیای طبیعی و انسانی و آمار اصناف شهر)، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، دانشگاه تهران.
۱۲. تنکابنی، میرزا محمد، (بی‌تا)، قصص العلماء، به کوشش حاج سید محمود کتابچی، بی‌جا، علمیه اسلامی.
۱۳. جابری انصاری، حاج میرزا حسن خان (۱۳۷۸)، تاریخ اصفهان، ترتیب و تصحیح و تعلیق جمشید مظاهری، اصفهان، نشر مشعل.
۱۴. جهانگیر میرزا (۱۳۸۴)، تاریخ نو، به سعی و اهتمام عباس اقبال، تهران، علم.

۱۵. حائری، عبدالهادی (۱۳۸۰). نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، تهران، امیرکبیر.
۱۶. خالقی زاده، امیرحسین (۱۳۹۰). نقش سیاسی علمای شیعه در عصر قاجار، قم، بوستان کتاب.
۱۷. دوانی، علی (۱۳۸۰). مفاخر الاسلام، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۸. _____ (بی‌تا). نهضت روحانیان ایران، بی‌جا، بنیاد فرهنگی امام رضا علیه السلام.
۱۹. _____ (۱۳۹۰). مکتوبات و بیانات سیاسی اجتماعی علمای شیعه دوره قاجار، تهران، نی.
۲۰. رضایی، محمدجعفر (۱۳۹۱). جریان‌های فکری حوزه علمیه اصفهان با تأکید بر مسئله امامت در سده اخیر، تهران، حکمت و فلسفه ایران.
۲۱. روضاتی، سید محمد علی (بی‌تا). زندگانی آیت‌الله چهار سوقی، اصفهان، نشر داد.
۲۲. ریاحی، محمدحسین (۱۳۸۶). «ویژگی‌های اخلاقی و معنوی آیت‌الله رحیم ارباب»، مجله اخلاق، ش ۷.
۲۳. زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۴). رسائل مشروطیت، ج ۱، کویر، تهران، بی‌نا.
۲۴. شمیم، علی اصغر (۱۳۸۴). ایران در دوره سلطنت قاجار قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم، چ یازدهم، تهران، مدبر.
۲۵. صبوریان، محسن (۱۳۹۸). تکوین نهاد مرجعیت تقلید شیعه (گفتاری در تحولات سیاسی و اجتماعی روحانیت شیعه در دوره قاجار و پهلوی اول)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۲۶. صوفی نیارکی، تقی (۱۳۸۴). «اصول اندیشه سیاسی آقاجانی و نقش وی در جنبش مشروطیت»، مجله مطالعات تاریخی، ش ۸.
۲۷. طباطبائی، محیط (۱۳۶۷). تطور حکومت در ایران بعد از اسلام، تهران، بعثت.
۲۸. علیخانی، علی اکبر و همکاران (۱۳۹۰). اندیشه سیاسی متفکران مسلمان، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲۹. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳). فقه سیاسی، تهران، امیرکبیر.
۳۰. عنایت، حمید (۱۳۸۰). اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، چ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

۳۱. الفت، لاله (۱۳۸۴)، گنج زری بود در این خاکدان، اصفهان، نوشته.
۳۲. فشارکی مطلق، رضا (۱۳۹۶)، شیخ الفقهاء و المجتهدین آخوند ملامحمد حسین فشارکی و سایر رجال منسوب به فشارک، تهران، علم.
۳۳. فوران، جان (۱۳۷۷)، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران (از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب)، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا.
۳۴. کاظمی موسوی، احمد (۱۳۷۶)، «جایگاه علما در حکومت قاجار»، مجله ایران نامه، ش ۵۸.
۳۵. _____ (۱۳۹۷)، خاقان صاحب قران و علمای زمان، تهران، آگاه.
۳۶. کتابی، محمد باقر (۱۳۷۵)، رجال اصفهان، اصفهان، گلها.
۳۷. کدی، نیکی آر (۱۳۶۹)، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، قلم.
۳۸. _____ (۱۳۸۱)، ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس.
۳۹. الگار، حامد (۱۳۶۹)، دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجار، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران، توس.
۴۰. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۵)، تاریخ فقه و فقها، تهران، سمت.
۴۱. لرد کرزن، جرج ن (۱۳۵۰)، ایران و قضیه ایران، ترجمه ع. وحید مازندرانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۲. لسان الملک سپهر، محمد تقی (بی‌تا)، ناسخ التواریخ (تاریخ قاجاریه)، بی‌جا، بی‌نا.
۴۳. محمود، محمود (بی‌تا)، تاریخ روابط سیاسی، چ دوم، بی‌جا، شرکت نسبی حاج محمدحسین اقبال و شرکاء.
۴۴. مسعود میرزا ظل السلطان (بی‌تا)، خاطرات ظل السلطان، بی‌جا، بی‌نا.
۴۵. مفتون دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۹۲)، متأثرالسلطانیه (تاریخ جنگ‌های ایران و روس)، به اهتمام غلام حسین صدیقی افشار، تهران، ابن سینا.
۴۶. منتظرالقائم، اصغر (۱۳۹۴)، دانشنامه تخت فولاد اصفهان، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
۴۷. مهدوی، سید مصلح الدین (۱۳۶۷)، تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، قم، الهدیه.

۴۸. مهدوی، سید مصلح‌الدین (۱۳۶۸)، بیان المفاخر (احوال‌ات حاج سید محمد باقر حجت‌الاسلام شفتی بیدآبادی)، قم، کتابخانه مسجد سید اصفهان.
۴۹. مهدوی، مصطفی آیت (۱۳۹۰)، ابعاد مبارزات آیت‌الله العظمی آقاجفی اصفهان علیه بابیان ازلیه و بهائیه، اصفهان، آدما.
۵۰. نجفی، موسی (۱۳۹۰)، حکم نافذ آقاجفی، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۵۱. هالم، هاینس (۱۳۸۴)، تشیع، ترجمه محمدتقی اکبری، قم، ادیان.
۵۲. همای شیرازی، طرب (۱۳۴۲)، دیوان طرب، تهران، بی‌نا.
۵۳. همایی شیرازی، جلال‌الدین (۱۳۹۰)، تاریخ اصفهان، کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۵۴. یغمائی، اقبال (۲۵۳۷)، شهید راه آزادی سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی، تهران، توس.
۵۵. ساکما، ۹۷/۲۸۰/۷۳
۵۶. ساکما، ۹۹۸/۶۴۷۶